

حق سرمایه‌گذار خارجی در اقامه‌ی مستقیم دعوا علیه دولت میزبان بر اساس مکانیزم حل و فصل اختلافات معاهده منشور انرژی*

نادر مردانی*

حمیده بهمنی بهلولی**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۳/۷/۵

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۳/۱۸

چکیده

داوری بین‌المللی به عنوان یک شیوه‌ی مورد قبول سرمایه‌گذار و دولت میزبان، با یک اشکال عمده مواجه است؛ بدین معنی که سرمایه‌گذار خارجی برای اقامه‌ی دعوا علیه دولت میزبان در مراجع بین‌المللی، ملزم به توسل به حمایت دیپلماتیک کشور متبوع خود می‌باشد؛ بدیهی است این الزام، استفاده از این روش رایج در حل اختلاف را دشوار می‌نماید. معاهده منشور انرژی به عنوان مهم‌ترین معاهده‌ی چندجانبه در زمینه‌ی انرژی، با ابتکار در اعطای حق اقامه‌ی مستقیم دعوا در مراجع بین‌المللی به سرمایه‌گذار خارجی بدون نیاز به حمایت دیپلماتیک کشور متبوع، اشکال مزبور را از میان برداشته است. در این پژوهش سعی بر آن است تا با تحلیل حقوقی این حق، مزایا و میزان کارایی آن تحلیل شود. حق اقامه‌ی مستقیم دعوا بدون حمایت دیپلماتیک از تبدیل شدن اختلاف سرمایه‌گذار با دولت میزبان به اختلافی میان دولت‌ها، جلوگیری نموده است. بدین ترتیب منشور توسل به داوری بین‌المللی وابسته به حمایت دیپلماتیک را، به عنوان روشی غیرقابل اتکا برای سرمایه‌گذار، از میان برداشته است. علاوه بر این به رسمیت شناختن اصولی چون عدم الزام سرمایه‌گذار به ارجاع اختلاف به مراجع داخلی کشور میزبان، با

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل به راهنمایی دکتر نادر مردانی تحت عنوان «قواعد حاکم بر سرمایه‌گذاری از منظر معاهده‌ی منشور انرژی» می‌باشد.

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

Mardani@shirazu.ac.ir

** کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شیراز

Hamideh.bahmani@yahoo.com

هدف تضمین رفتار غیر تبعیض‌آمیز، آزادی در انتخاب روش حل اختلاف، برخورداری سرمایه‌گذار خارجی از بالاترین حقوق اعطاشده به اتباع داخلی و اتباع کشورهای دیگر، ارائه‌ی روش‌های متفاوت مذاکره و سازش قبل از مراجعه به داوری بین‌المللی، موجب افزایش اعتماد سرمایه‌گذار و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری می‌گردد.

کلیدواژگان: معاهده منشور انرژی، سرمایه‌گذاری، داوری

مقدمه

یکی از موضوعات اساسی مورد توجه سرمایه‌گذاران خارجی مسأله‌ی حل و فصل اختلافاتی است که در جریان سرمایه‌گذاری ممکن است با کشور میزبان بروز کند. هرچه قواعد ناظر بر حل و فصل اختلافات در جهت تضمین امنیت سرمایه‌گذاری و حاکمیت کشور میزبان باشد، طرفین با اطمینان خاطر اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند. حل اختلاف در سرمایه‌گذاری خارجی آن هم در بخش انرژی، از یک سو به علت دخالت عامل خارجی؛ یعنی سرمایه‌گذار خارجی، به دلیل بیگانگی و بی‌اعتمادی به نظام حقوقی و قضایی کشور میزبان، و دولت میزبان به دلیل عدم تمایل به تضییع اموال خود در نتیجه‌ی رسیدگی به ویژه از طریق رسیدگی خارج از دادگاه و با روش‌های جایگزین^۱؛ و از سوی دیگر به علت اهمیت استراتژیک انرژی و هزینه‌های هنگفت ناشی از اختلاف، از اهمیت افزون‌تری برخوردار است. بنابر این با توجه به نیاز روزافزون کشورها به داشتن روابط تجاری - اقتصادی با یکدیگر و نقش سرمایه‌گذاری خارجی در رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشورها از یک سو و نگرانی آن‌ها از اختلافات احتمالی و تأثیر آن بر روابط تجاری از سوی دیگر، تابعان حقوق بین‌الملل را برآن داشت تا راه‌کارهای تضمین‌کننده و اطمینان‌بخشی در این خصوص پیش‌بینی نمایند. بر این اساس کشورها در کنار اقدام به تغییر و تحول در نظام حقوقی و دادرسی خود، اقدامات بین‌المللی‌ای نیز در این راستا انجام داده‌اند. از میان این تحولات می‌توان به پیدایش قواعد و نهادهای جدید داوری برای حل و فصل اختلافات به عنوان

^۱. Alternative Dispute Resolution

پاسخ‌گویی نسبی به نیاز روابط مطمئن تجاری - اقتصادی اشاره کرد.^۱ امروزه در اکثر اسناد بین‌المللی از جمله معاهدات دوجانبه یا چندجانبه‌ی سرمایه‌گذاری و سازمان تجارت جهانی در مورد رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی و همچنین تقریباً تمام قوانین سرمایه‌گذاری خارجی کشورها، رجوع به داوری بین‌المللی به عنوان یک شیوه‌ی مناسب و مورد قبول کشور میزبان و سرمایه‌گذاران خارجی پیش‌بینی شده است. رجوع به داوری بین‌المللی باعث اطمینان و اعتماد بیشتر میان طرفین و در نتیجه جذب سرمایه‌گذاران بیشتر به داخل کشور خواهد شد. البته اشکال عمده‌ای که استفاده از داوری را تا حدودی دشوار می‌نماید، عدم امکان استفاده‌ی مستقیم از این روش برای اقامه‌ی دعوا علیه دولت میزبان توسط سرمایه‌گذار خارجی است. به عبارت دیگر سرمایه‌گذار خارجی تنها می‌تواند با توسل به حمایت دیپلماتیک کشور متبوع خود از این سازوکار حل اختلاف استفاده نماید. از آنجایی که معاهده‌ی منشور انرژی مهم‌ترین و اولین معاهده چندجانبه‌ی حقوقی بین‌المللی است که اختصاصاً به بخش انرژی و تأمین امنیت سرمایه‌گذاری در درآمدت اختصاص یافته، نه تنها قواعد و مقررات دقیقی در زمینه‌ی تأمین امنیت انرژی مقرر نموده است، بلکه برای افزایش جذابیت کشور میزبان برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، و ایجاد توازن منصفانه بین حاکمیت کشور میزبان و حق مالکیت سرمایه‌گذار، چارچوب حل اختلافات منحصربه‌فردی نیز پیش‌بینی نموده است، از جمله حق مستقیم سرمایه‌گذار خارجی در اقامه‌ی دعوا علیه دولت میزبان. در این پژوهش ابتدا روش‌های موجود و پیش‌بینی شده در حقوق بین‌الملل و میزان امنیت و تضمین حقوقی هر یک برای سرمایه‌گذار ارزیابی شده، سپس روش‌ها و اصول مقرر شده در معاهده‌ی منشور انرژی و ابتکار آن در اعطای حق اقامه‌ی مستقیم دعوا توسط سرمایه‌گذار، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

^۱. نیکبخت، حمیدرضا، داوری تجاری بین‌المللی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ دوم، ۱۳۹۰، صص ۱۷-۱۸.

الف) روش‌های مقرر در حقوق بین‌الملل

۱- مراجعه به دادگاه‌های داخلی کشور میزبان

اولین شیوه در حقوق بین‌الملل برای احقاق حق، هنگامی که به مالکیت سرمایه‌گذار یا حقوقی که او از یک کنوانسیون بین‌المللی به دست می‌آورد، آسیبی وارد شود، مراجعه به دادگاه‌های داخلی دولت میزبان و طرح دعوا علیه آن دولت است.^۱ این روش به دلیل این که سرمایه‌گذار را در وضعیتی نامناسب نسبت به نظام حقوقی و قضایی کشور میزبان قرار می‌دهد چندان روش قابل اعتمادی نیست. علاوه بر این، امکان مواجه شدن سرمایه‌گذار با رفتاری تبعیض‌آمیز وجود دارد. از طرف دیگر از آنجایی که حل اختلاف با مراجعه به محاکم داخلی بر اساس قوانین ملی کشور میزبان صورت می‌گیرد، سرمایه‌گذار خارجی از حمایت و پشتیبانی حقوق بین‌الملل محروم مانده و بر امکان تبعیض و عدم تضمین حقوق او افزوده می‌شود.

دادگاه‌های ملی اساساً برای حل و فصل اختلافات داخلی تشکیل شده‌اند و شدیداً به مقررات و نظام حقوقی ملی وابسته‌اند. دادگاه‌های ملی معمولاً دارای مقررات خشک و غیرقابل انعطافی در مورد صلاحیت هستند که به موجب آن نسبت به امکان طرح دعوا در آن دادگاه اخذ تصمیم می‌کنند. دادگاه‌های ملی ممکن است برای رسیدگی به دعاوی بین‌المللی که طرفین آن در کشورهای گوناگون اقامت دارند، خود را صالح ندانند. علاوه بر این آرای دادگاه ملی معمولاً در چارچوب سرزمین آن کشور قابلیت اجرا دارد و در سایر کشورها با محدودیت‌های زیادی روبروست. به دلیل فقدان یک معاهده‌ی فراگیر در مورد اجرای آرای قضایی خارجی در سایر کشورها، اجرای این گونه آرا در کشور دیگر بستگی به مقررات داخلی کشور محل اجرای رأی دارد. کشورها معمولاً مقررات سخت‌گیرانه‌ای در مورد اجرای آرای قضایی سایر کشورها مقرر کرده‌اند. بنابر این طرح دعوا در یک دادگاه ملی اصولاً وقتی مناسب است که خواننده در کشور مقر دادگاه، دارای اموال و دارایی باشد که بتوان رأی دادگاه را اجرا نمود.^۲ علاوه بر این، تشریفات دست‌وپاگیر، و هزینه‌ی بالا در مراحل رسیدگی‌های قضایی، از عمده‌ترین معایب

^۱ کاشار، اولیویه، حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه رسول رضایی، انتشارات مهرماه نو، چاپ اول، بهار ۱۳۹۰.

^۲ شیروی، عبدالحسین، حقوق تجارت بین‌الملل، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ویراست دوم، ۱۳۹۱، صص ۴۹۹-۴۹۸.

دادرسی‌های سنتی است که سبب روی‌گردانی تجار از آن‌ها شده است. در حقوق بین‌الملل سنتی قاعده‌ی «طی کلیه‌ی روش‌های داخلی جبران خسارت»، قاعده‌ای عرفی بوده است. در قضیه «اینترهاندل» دیوان بین‌المللی دادگستری، عنوان کرد «قاعده‌ای که به موجب آن کلیه روش‌های داخلی جبران خسارت باید قبل از شروع رسیدگی‌های بین‌المللی طی شود، قاعده‌ی متداول حقوق بین‌الملل است»^۱. بنابر این، خارجیان در جریان اختلاف با کشور میزبان، قبل از استفاده‌ی کامل و معقول از کلیه‌ی روش‌های داخلی جبران خسارت شامل روش‌های قضایی و اداری، اجازه‌ی توسل به روش‌های بین‌المللی جبران خسارت شامل حمایت دیپلماتیک را نداشتند. ماده ۲۶ کنوانسیون واشنگتن در قیاس با الگوی کلاسیک بیان می‌دارد: «طرف متعاقد ممکن است، طی کلیه روش‌های اداری و قضایی داخلی جبران خسارت را شرط رضایتش به داوری بر اساس این کنوانسیون بداند». بنابر این، کنوانسیون واشنگتن، قاعده‌ی کلاسیک «طی کلیه روش‌های داخلی جبران خسارت» را تضعیف نموده است^۲. به این ترتیب، رجوع به دادگاه‌های داخلی، در اختلافات تجاری بین‌المللی روز به روز کم‌تر و محدودتر شده به گونه‌ای که در بسیاری از قراردادهای تجاری، طرفین قرارداد عالماً و عامداً تصریح می‌کنند در صورت حدوث اختلافاتی در آینده، هیچ یک حق مراجعه به دادگاه ملی را ندارند و اختلاف باید با توسل به مکانیزم‌های دیگر حل و فصل شوند؛ یا اگر هم به یکی از طرفین، اجازه رجوع به دادگاه ملی را بدهند، سعی می‌کنند قانون حاکم بر قرارداد را خود تعیین کنند.

۲- حمایت دیپلماتیک

چنانچه سرمایه‌گذار نتواند با اقامه‌ی دعوا در دادگاه‌های داخلی کشور میزبان احقاق حق نماید، حمایتی که موازین حقوق بین‌الملل در این مقطع به او اعطا می‌نماید، حمایت دیپلماتیک است. بر این اساس کشور متبوع سرمایه‌گذار با پشتیبانی از ادعای او، حمایتی سیاسی را به موقع اجرا درآورده و از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای رسیدگی می‌نماید. حمایت دیپلماتیک، عبارت

^۱ ICJ Reports, 1959, 27.

^۲. کونگ یان، کای، «اثر معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی»، ترجمه حجت سلیمی ترکمانی، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست و ششم، شماره ۴۱، ۱۳۸۸، صص ۲۹۰-۲۸۹.

است از کلیه‌ی اقدامات دیپلماتیک یک کشور نزد کشور دیگر برای احقاق حق اتباع خود و حمایت از آنان که در قلمرو کشور خارجی مورد تعدی و تجاوز اعم از مالی و جانی قرار گرفته‌اند و ضرر مادی و معنوی به آنان وارد آمده است. در این حالت ادعای شخصی به ادعای کشوری تبدیل می‌گردد و حمایت دیپلماتیک به نوعی لوح گردان شبیه خواهد شد که رسیدگی قضایی را از سطح داخلی به سطح بین‌المللی می‌رساند و رابطه‌ی اولیه‌ی فرد متضرر و کشور مسئول را به رابطه‌ی کشور متبوع متقاضی و کشور مسئول مبدل می‌سازد.^۱ همچنین، احتمال دارد این کشور برای انعقاد توافقی در خصوص غرامت با کشور میزبان مذاکره کند. این روش که تصمیمی سیاسی است، کاملاً خارج از اختیار سرمایه‌گذار می‌باشد. برای اجرای حمایت دیپلماتیک بایستی میان فرد زیان‌دیده و کشور متقاضی رابطه‌ی حقوقی و سیاسی وجود داشته باشد که این رابطه ناشی از تابعیت سیاسی یعنی تابعیت می‌باشد. علاوه بر این، شرایطی از قبیل استمرار تابعیت مدعی از ابتدای زمان ورود ضرر و زیان به وی تا وقوع عمل متخلفانه‌ی موضوع حمایت دیپلماتیک و نیز به هنگام اقامه‌ی رسمی دعوا تا زمان فیصله‌ی دعوا، موجود باشد. اجرای حمایت دیپلماتیک با مشکلاتی از قبیل ملاک تعیین تابعیت اشخاص حقوقی همراه است. بدین معنی که ممکن است تابعیت میان کشور متقاضی و کشور مسئول دارای تعاریف متفاوتی باشند که در نهایت اجرای حمایت را با مشکل همراه سازد. از طرف دیگر شرط دیگر اجرای حمایت دیپلماتیک، آن است که مدعی قبل از درخواست حمایت دیپلماتیک از کشور متبوع خود، برای دادخواهی به مقامات صلاحیت‌دار داخلی که در قوانین و مقررات کشور محل وقوع تخلف پیش‌بینی شده است، مراجعه کرده و از کلیه‌ی امکانات دادخواهی قانونی در محل استفاده کرده، اما نتیجه‌ای نگرفته باشد.^۲ این شرط اجرای حمایت دیپلماتیک را دشوارتر می‌نماید زیرا همان‌طور که در بررسی اولین روش احقاق حق، یعنی مراجعه به دادگاه‌های داخلی، عنوان شد این روش با توجه به ویژگی‌هایی که دارد چندان مطلوب سرمایه‌گذاران خارجی نیست. دولت متبوع سرمایه‌گذار نیز حسب اوضاع و احوال حاکم بر موضوع و کشور میزبان سرمایه‌گذار ممکن است

^۱. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۵،

ص ۴۸۷.

^۲. همان، ص ۴۹۱.

گزینه‌های مذاکره، داوری، و حتی توسل به زور را به منظور جبران خسارت سرمایه‌گذار متبوع خود به کار گیرد. بر این اساس هر اقدامی که بر مبنای قواعد حقوق بین‌الملل در مقابل سرمایه‌گذار خارجی نقض این قواعد محسوب شود، به عنوان اختلافی بین دولت سرمایه‌پذیر و دولت متبوع سرمایه‌گذار تلقی می‌شود. از این رو چنانچه سرمایه‌های سرمایه‌گذار خارجی توسط دولت میزبان مصادره شود، دولت متبوع سرمایه‌گذار قادر به پیگیری موضوع، بر مبنای نقض قواعد حقوق بین‌الملل است.

بنابر این، از دیدگاه سرمایه‌گذار، شیوه‌ی حمایت دیپلماتیک روش ضعیف و غیرقابل اتکایی برای جبران خسارت است، زیرا در کنار ضرورت تابعیت سرمایه‌گذار، عدم نتیجه‌گیری در دادگاه‌های دولت میزبان نیز شرط حمایت دیپلماتیک محسوب می‌شود؛ از سوی دیگر به دلیل مناسبات میان کشورها، به ندرت کشوری اقدام به پیگیری حقوق اتباع خود و اقامه‌ی دعوا علیه دولت دیگر می‌نماید و مناسبات سیاسی را بر روابط سرمایه‌گذار خود و دولت میزبان ترجیح می‌دهد. تجربه‌ی اختلاف میان ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، که به اختلافی سیاسی میان دو دولت ایران و آمریکا مبدل شد و منجر به صدور بیانیه‌ی الجزایر و بلوکه شدن دارایی‌های ایران گردید، ناشی از ناکارایی روش حمایت دیپلماتیک می‌باشد.^۱

۳- داوری

روش‌های سنتی حل و فصل اختلافات از قبیل مراجعه به دادگاه‌های ملی و یا حمایت دیپلماتیک، که اساساً مبتنی بر حاکمیت مطلق کشور متبوع و کشور میزبان می‌باشد، اختیارات و آزادی‌های سرمایه‌گذار را محدود می‌کنند، به دلایل گذشت کارایی چندانی نداشته و نمی‌توانند پاسخ‌گوی تجارت بین‌المللی روبه‌رشد امروزی باشند. بنابر این به ویژه با توجه به جهانی شدن

^۱. برای مطالعه‌ی بیشتر در خصوص ماهیت و شکل بیانیه‌ی الجزایر رک. محبی، محسن، دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده آمریکا، ماهیت، ساختار و عملکرد، انتشارات فردا، ۱۳۸۳؛ احمد و استانی، عبدالغنی، «شرح مختصر بیانیه‌های الجزایر»، مجله حقوقی، شماره ۱، زمستان ۱۳۶۳، ص ۹؛ صمصامی مهاجر، محمود، «گزارشی از آرای دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده، استرداد دعوا»، مجله حقوقی، شماره ۱، زمستان ۱۳۶۳، ص ۷۳- شماره ۲، بهار ۱۳۶۴- و شماره ۳ پاییز ۱۳۶۴. متن کامل بیانیه‌ها و نیز سایر اسناد اصلی مربوط به حل گروگان‌گیری و حل و فصل دعاوی بین ایران - ایالات متحده: مجموعه اسناد رسمی در ارتباط با دعاوی بین‌المللی، کتاب اول: بیانیه‌های دولت جمهوری اسلامی ایران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۱.

اقتصاد، داوری به عنوان روشی برای حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی به سرعت رشد پیدا کرده، به نحوی که امروزه یک روش معمول در حل و فصل اختلافات بین‌المللی محسوب می‌شود. بسیاری از معاهدات سرمایه‌گذاری، داوری در یک دادگاه بی‌طرف را به عنوان روش حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی پیش‌بینی می‌کنند.^۱ شروط متنوعی وجود دارند که تعهدات متفاوتی را در مورد این‌گونه داوری به پیش می‌کشند. در پایین‌ترین سطح، شروط پیش‌بینی شده در این معاهدات، داوری را تنها به عنوان روش حل اختلاف تجویز نموده، بدون این که برای هر یک از طرفین تعهدی مبنی بر ارجاع اجباری اختلاف به داوری به وجود آید. در بالاترین سطح، معاهدات مزبور صلاحیت اقامه‌ی دعوا در برابر یک دادگاه ایکسید را برای سرمایه‌گذار خارجی پیش‌بینی می‌کنند. وجود چنین مقرراتی در معاهدات دوجانبه‌ی سرمایه‌گذاری گام مهمی است برای تضمین حمایت از سرمایه‌گذار خارجی، زیرا این مقررات دسترسی مستقیم او به یک دادگاه بی‌طرف را برای حل و فصل اختلافات او و کشور میزبان فراهم می‌کنند.^۲ اجازه دادن به سرمایه‌گذار خارجی برای پیگیری اختلاف خود، روند رسیدگی را غیرسیاسی می‌کند، زیرا اختلاف مزبور به اختلاف میان دولت متبوع سرمایه‌گذار و کشور میزبان تبدیل نمی‌شود. دو کشور می‌توانند روابط خود را تداوم بخشند، به گونه‌ای که گویا اختلافی در روابط متقابل آن‌ها وجود ندارد. پیش‌بینی رجوع به داوری بین‌المللی در اسناد بین‌المللی و قوانین ملی باعث اطمینان و اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی و در نتیجه جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی به کشور میزبان خواهد شد، چرا که اصولاً سرمایه‌گذاران خارجی به دلیل عدم اطمینان به محاکم کشور میزبان و برای فرار از مقررات داخلی آن حاضر به ارجاع اختلافات خود به این محاکم نیستند. لذا کشورهای در حال توسعه طالب سرمایه‌گذاری خارجی، در نخستین گام برای جذاب کردن قوانین خود رجوع به داوری بین‌المللی را پیش‌بینی می‌کنند.

مهم‌ترین امتیاز داوری در مقایسه با رسیدگی از طریق دادگاه، نقش طرفین در انتخاب آیین داوری، قانون یا قواعد داوری قابل اعمال یا قواعد ماهوی قابل اعمال، موضوع داوری، محل و

^۱. شیروی، پیشین، ص ۴۹۸.

^۲. سورناراجا، ام، حبیب‌زاده، توکل، «معاهدات دوجانبه‌ی سرمایه‌گذاری»، مجله حقوقی، بهار ۱۳۸۳، شماره ۳۰، صص ۳۱۱-۳۱۰.

ترکیب دیوان داوری و اجرای احکام داوری بر اساس موافقت‌نامه‌ی داوری می‌باشد. اگرچه امروزه داوری تابع قانون محل داوری است، اما طرفین می‌توانند به طور کلی بر اساس اصل استقلال یا آزادی اراده‌ی طرفین، آیین و تشریفات را که دیوان داوری باید در جریان داوری از آن‌ها پیروی کند، انتخاب کنند. در این صورت طرفین خواهند توانست از مقررات پیچیده و زمان‌گیری مانند مقررات آیین دادرسی که برای دادگاه‌ها وجود دارد رهایی یابند.^۱ نقش طرفین در انتخاب داورها از دیگر مزایای داوری است، چرا که انتخاب قضات بر اساس صلاحیت‌های عمومی توسط مقامات دولتی و قضایی انجام می‌گیرد که ممکن است برای رسیدگی به یک پرونده‌ی خاص صلاحیت لازم را نداشته باشند.^۲ دیگر مزیت داوری سادگی شناسایی و اجرای احکام دادرسی در مقایسه با آرای قضایی است. در زمینه‌ی شناسایی و اجرای احکام خارجی، عنصر حاکمیت مدخلیت دارد؛ برخی دولت‌ها از شناسایی و اجرای احکام خارجی امتناع می‌کنند یا شناسایی و اجرا را مشروط به رعایت تشریفات خاص نموده و یا آن را به گونه‌ای جزئی اجرا می‌کنند؛ در حالی که در داوری‌های تجاری بین‌المللی، عنصر اعمال حاکمیت یک کشور خارجی وجود ندارد. علاوه بر این، اکثر کشورها به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک که شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی را تسهیل کرده، ملحق شده‌اند؛ در حالی که در زمینه‌ی اجرای آرای قضایی، چنین کنوانسیونی به چشم نمی‌خورد.^۳ دیدگاه و رویه‌ی موجود در حقوق بین‌الملل چنین است که اصولاً یک معاهده به طور مستقیم تعهدات و حقوقی را برای دولت‌های متعاقد ایجاد می‌کند و بازرگانان و شرکت‌های آن دولت‌ها به تبع از منافع آن برخوردار خواهند شد. بر این اساس در صورتی که کشور طرف متعاقد مفاد کنوانسیون را نقض کند، آن‌ها تنها از طریق دولت‌های متبوع خود می‌توانند به نقض کنوانسیون اعتراض کنند؛ مثلاً در سازمان تجارت جهانی اگر یکی از کشورهای عضو بر خلاف مقررات سازمان اقدامی انجام دهد که بازرگانان و شرکت‌های تجاری کشور دیگر متضرر شوند، آن‌ها نمی‌توانند مستقیماً علیه کشور خاطی نزد سازمان طرح

۱. نیکبخت، پیشین، صص ۱۹ و ۱۳۰.

۲. شیروی، پیشین، ص ۵۰۰.

۳. انصاری، باقر، «درآمدی بر مکانیزم‌های حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی»، مجله حوزه و دانشگاه، سال یازدهم، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۸۴، صص ۱۸۳ و ۱۹۱.

دعوا کنند، بلکه باید موضوع را از طریق دولت‌های متبوع خود پیگیری نمایند^۱ که این در واقع پیروی از شیوه‌ی سنتی حمایت دیپلماتیک می‌باشد که پیش‌تر در مورد آن مطالبی گذشت. بنابر این اشکال عمده‌ای که آیین داوری با آن مواجه است، ادامه‌ی احقاق حق سرمایه‌گذار خصوصی بر اساس حمایت دیپلماتیک می‌باشد. به عبارت دیگر سرمایه‌گذار خارجی حق اقامه‌ی مستقیم دعوا در یک دیوان داوری را ندارد و بایستی طبق روش سنتی از دولت متبوع خود خواستار اقامه‌ی داوری نزد کشور میزبان شود. از طرف دیگر سرمایه‌گذار خارجی هم‌چنان موظف است پیش از رجوع به داوری بین‌المللی، تمامی مراحل دادرسی داخلی را که کشور میزبان فراهم کرده، طی نماید. بعضی از مقررات مربوط به شرط داوری، آیین دادرسی داخلی را به رسمیت می‌شناسند، آیینی که به موجب آن لازم است پیش از توسل به راه‌کارهای بین‌المللی، تمامی مراحل دادرسی پیش‌بینی شده در قانون کشور میزبان پیموده شود.^۲

ب) ویژگی‌های اساسی قواعد حل و فصل اختلافات معاهده‌ی منشور انرژی

۱- اقامه‌ی مستقیم دعوا توسط سرمایه‌گذار

منشور انرژی، پاراگراف C از بند ۲ ماده ۲ قطع‌نامه‌ی شماره ۳۲۸۱ مجمع عمومی، تنظیم شده بر مبنای منشور حقوق و تکالیف اقتصادی کشورها که بر برابری حاکمیت‌ها و اصل آزادی در انتخاب طرق حل و فصل اختلاف، به حق مراجعه به محاکم برای حل اختلافات تأکید می‌نماید، قواعد حل اختلاف خود را بر اساس اصل حق مراجعه به محاکم برای حل اختلاف، آزادی در انتخاب روش حل اختلاف، تساوی میان اتباع کشور میزبان و سرمایه‌گذار خارجی، برخورداری سرمایه‌گذار خارجی از بالاترین حقوق و امتیازات اعطایی به اتباع داخلی و اتباع کشورهای دیگر بنا نهاده است (بند ۲ ماده ۲۶). بر اساس اصل تساوی (میان اتباع کشور میزبان و سرمایه‌گذار خارجی) و اصل برخورداری سرمایه‌گذاران خارجی از بالاترین حقوق و امتیازات اعطایی به اتباع داخلی و اتباع کشورهای دیگر، سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند به انتخاب خود و با در نظر گرفتن منافع خود به محاکم کشور میزبان مراجعه کند، یا مرجع مورد توافق در قرارداد دوجانبه را

^۱. شیروی، پیشین، ص ۴۰.

^۲. سورناراجا، پیشین، ص ۳۱۷.

برگزیند و یا از سازوکارهای حل و فصل دعاوی که در سایر قراردادهای دوجانبه یا چندجانبه‌ی کشور میزبان با سایر اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده است، استفاده کند. معاهده، به سرمایه‌گذار خصوصی حق داده است با توسل به برخی شیوه‌های حقوقی، اختلاف خود را با دولت میزبان حل و فصل نماید. فلسفه‌ی اعطای این حق آن بوده است که اولاً یکی از اهداف مهم معاهده، برخورداری سرمایه‌گذار از تضمین حقوقی قوی جهت الزام دولت به انجام تعهدات یا جبران خسارات وارده می‌باشد؛ ثانیاً مزیت امکان اقدام حقوقی سرمایه‌گذار علیه دولت آن است که به ابتکار تهیه‌کنندگان معاهده، دولت تا حد یک شخص خصوصی ظاهر شود، به طوری که سرمایه‌گذار می‌تواند مستقیماً و بدون لزوم توسل به دولت متبوع خود علیه دولت میزبان سرمایه اقدام کند. این در حالی است که در بسیاری از معاهدات مهم بین‌المللی نظیر موافقت‌نامه‌ی سازمان تجارت جهانی، سرمایه‌گذار خصوصی تنها قادر است به صورت غیرمستقیم و با دستاویز قرار دادن حمایت دیپلماتیک دولت متبوع خود، دعوا را به هیأت حل اختلاف WTO ارجاع دهد.^۱ همان‌طور که در مبحث داوری و حمایت دیپلماتیک به عنوان روش حل اختلاف عنوان شد، توسل به شیوه‌ی سستی حمایت دیپلماتیک، اختلاف خصوصی میان یک سرمایه‌گذار و دولت میزبان را به عنوان اختلافی بین دولت سرمایه‌پذیر و دولت متبوع سرمایه‌گذار تبدیل می‌نماید که ممکن است تبعات سیاسی بسیاری داشته باشد. بر اساس آنچه بیان شد، شیوه‌ی حمایت دیپلماتیک از دیدگاه سرمایه‌گذار، روش ضعیف و غیرقابل اتکایی برای جبران خسارت است، زیرا در کنار ضرورت تابعیت سرمایه‌گذار، عدم نتیجه‌گیری در دادگاه‌های دولت میزبان نیز شرط حمایت دیپلماتیک محسوب می‌شود؛ از سوی دیگر به دلیل مناسبات میان کشورها، به ندرت کشوری اقدام به پیگیری حقوق اتباع خود و اقامه‌ی دعوا علیه دولت دیگر می‌نماید و مناسبات سیاسی را بر روابط سرمایه‌گذار خود و دولت میزبان ترجیح می‌دهد. از آنجایی که منشور در پی ایجاد زمینه‌ای مطمئن برای سرمایه‌گذاری می‌باشد، با پذیرش حق سرمایه‌گذار مبنی بر اقامه‌ی مستقیم دعوا، زمینه‌ی حمایت و تضمین حقوقی از اموال و دارایی‌های سرمایه‌گذار را فراهم می‌نماید.

^۱ صادقی، محسن، غفاری فارسانی، بهنام، «حل اختلافات سرمایه‌گذاری در معاهده‌ی منشور انرژی و آثار حقوقی الحاق ایران به آن»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی حقوق انرژی، مؤسسه انتشارات دادگستر، چاپ اول، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۷۵.

۲- تفکیک اختلافات میان سرمایه‌گذار و دولت میزبان و دولت‌های متعاقد

معاهده منشور انرژی با هدف اصالت و استقلال بخشیدن به حق سرمایه‌گذار برای اقامه‌ی مستقیم دعوا و از طرف دیگر به دلیل تفاوت در ماهیت اختلافات میان سرمایه‌گذار و دولت میزبان و دولت‌های متعاقد با یکدیگر، اختلافات سرمایه‌گذاری را به دو دسته‌ی اختلاف میان سرمایه‌گذار و دولت میزبان و اختلاف میان دولت‌های متعاقد تقسیم نموده و برای هر یک با توجه به ماهیت اختلاف، مقررات جداگانه‌ای تدوین نموده است. بخش ۵ منشور به قواعد حل و فصل اختلافات اختصاص یافته است: حل و فصل اختلافات میان سرمایه‌گذار و دولت میزبان (ماده ۲۶) و حل و فصل اختلافات میان دولت‌های متعاقد (ماده ۲۷). در بند ۱ ماده ۲۶ آمده است: «اختلافات بین یک طرف متعاقد و یک سرمایه‌گذار طرف متعاقد دیگر در ارتباط با یک سرمایه‌گذاری در قلمرو آن طرف متعاقد، که به نقض ادعا شده یک تعهد بر اساس بخش ۳ مربوط شود...». بر این اساس سرمایه‌گذار متضرر از نقض تعهدات مقرر در بخش ۳ منشور که اختصاص به قواعد تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری و اصول رفتاری و تضمینات حقوقی برای حمایت از اموال و سرمایه‌های سرمایه‌گذار دارد، می‌تواند مستقیماً علیه دولت میزبان، اقامه‌ی دعوا نماید. این تعهدات عبارتند از: تعهد به تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری (ماده ۱۰)، اختلافات راجع به کارکنان کلیدی (ماده ۱۱)، جبران خسارات (ماده ۱۲)، مصادره‌ی سرمایه (ماده ۱۳)، و انتقالات مربوط به سرمایه‌گذاری‌ها (ماده ۱۴)، و جانشینی (ماده ۱۵)^۱. دیدگاهی که در خصوص این ماده وجود دارد این است که مقررات این ماده محدود می‌باشد؛ مثلاً در صورت کوتاهی یک دولت در ترویج شرایط برای دستیابی سرمایه‌گذاران خارجی به بازارهای سرمایه‌ی خود، سرمایه‌گذاران متضرر نمی‌توانند طبق معاهده به حل و فصل اختلاف اقدام کنند زیرا مقرره‌ی مربوط به این فرض (ماده ۹)، در بخش ۳ معاهده نیامده است. اما باید گفت به نظر نمی‌رسد منشور با قید این که ماده ۲۶ تنها موضوعات مرتبط با سرمایه‌گذاری را دربر می‌گیرد، محدودیتی برای سرمایه‌گذار قائل شده باشد، چرا که تمام حقوقی را که در ارتباط با سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذار پیش‌بینی شده است شامل می‌شود و اصولاً منطقی به نظر

^۱. هاشمیان، مسعود؛ طارم‌سری، مسعود، متن معاهده منشور انرژی و ضمانت آن، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۲۱ تا ۲۸.

می‌رسد زمانی که منشور در مقام بیان قواعد حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری میان سرمایه‌گذار و دولت میزبان می‌باشد، تنها موضوعات مورد مناقشه در این بخش و مربوط به این موضوعات را مقرر نماید و دایره‌ی شمول خود را به سایر مقررات گسترش ندهد، زیرا این ماده حق مستقیم سرمایه‌گذار را برای مراجعه به مراجع حل و فصل اختلافات قائل شده است، بنابر این سرمایه‌گذار خصوصی برای حقوق پیش‌بینی شده در خصوص سرمایه‌گذاری اش محق برای اقامه‌ی دعوا شده است و سایر موضوعات متنازع‌فیه به عهده‌ی دولت‌های متعاقد می‌باشد که طرفین اصلی و امضاکنندگان منشور می‌باشند.^۱ بند ۱ ماده ۲۷ در مقام بیان حل و فصل اختلافات دولت‌های متعاقد مقرر می‌دارد: «دولت‌های متعاقد برای حل و فصل اختلافات مربوط به اجرا و تفسیر این معاهده ...». بر اساس این ماده اختلافات ناشی از دامنه و حدود تعهدات دولت‌های متعاقد به طرفیت دولت‌ها حل و فصل خواهد شد. بر این اساس اختلافات یک سرمایه‌گذار که به صورت مستقیم با دولت میزبان به وجود می‌آید بر اساس مکانیزم پیش‌بینی شده در ماده ۲۶ حل و فصل خواهد شد و اختلافات میان دولت‌های متعاقد که ناشی از اجرا و تفسیر معاهده می‌باشد نیز بر اساس طرق مقرر در ماده ۲۷ حل خواهند شد. بنابر این منشور به دقت اختلافات را با توجه به ماهیت و طرف دعوا دسته‌بندی نموده و برای هر یک مقررات ویژه‌ای تدوین نموده است.

۳- عدم الزام به طی تمامی روش‌های حل اختلاف داخلی کشور میزبان

این امکان برای سرمایه‌گذار وجود دارد که در هر زمان به مراجع قضایی یا اداری دولت میزبان مراجعه کند (جزء الف بند ۲ ماده ۲۶). در این خصوص لازم به ذکر است جمله‌ی آخر بند ۲ ماده ۲۶ که مقرر می‌دارد: «... طرف سرمایه‌گذار درگیر در اختلاف می‌تواند اختلاف را برای حل و فصل به مراجع ذیل ارجاع دهد ...»، مراجعه به مراجع قضایی و اداری داخلی دولت عضو را همانند دیگر روش‌های قضایی حل و فصل اختلافات به صورت اختیاری مقرر کرده است و

^۱ برای مطالعه‌ی بیشتر در خصوص قواعد سرمایه‌گذاری رک. حمیده بهمنی بهلولی، قواعد حاکم بر سرمایه‌گذاری در معاهده منشور انرژی، پایان‌نامه، استاد راهنما: دکتر نادر مردانی، دانشگاه شیراز، خرداد ۱۳۹۲.

سرمایه‌گذار را برخلاف بعضی از معاهدات دوجانبه‌ی سرمایه‌گذاری^۱، نه‌تنها ابتدائاً ملزم به ارجاع اختلاف به مراجع داخلی ننموده، بلکه طی کلیه‌ی روش‌های داخلی حل اختلاف نیز ضروری نمی‌باشد. بنابر مقررات مندرج در این ماده، مراجعه به مراجع داخلی برخلاف بسیاری از معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری^۲ نه‌تنها پیش‌شرط ارجاع اختلاف به سایر مراجع نمی‌باشد، بلکه اصولاً ارجاع اختلاف همانند سایر روش‌های حل اختلاف اختیاری می‌باشد. منشور توافق و اراده‌ی طرفین را نادیده نگرفته و مطابق مفاد جزء ب بند ۲ ماده ۲۶ چنان‌چه بین طرفین، شیوه‌ی خاصی از حل اختلاف هنگام انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری و پس از آن پیش‌بینی شده باشد، می‌توانند به آن شیوه عمل نمایند.

ج) روش‌های مقرر در معاهده منشور انرژی

۱- اختلاف میان سرمایه‌گذار و دولت میزبان (ماده ۲۶)

در این بخش سازوکارهای پیش‌بینی شده برای حل اختلاف سرمایه‌گذار و دولت میزبان که ناشی از نقض اصول و تضمینات حقوقی از سرمایه‌گذاری مقرر در بخش ۳ باشد، بر اساس ماده ۲۶ بررسی خواهد شد.

۱-۱- مراجعه به دادگاه‌ها یا محاکم اداری کشور طرف اختلاف

منشور توسل به مذاکره و سایر روش‌های مسالمت‌آمیز را همانند تمامی موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه‌ی بین‌المللی و سازمان تجارت جهانی، پیش‌شرط مراجعه به محاکم داخلی یا خارجی برای احقاق حق قرار داده است. بر اساس پاراگراف اول ماده ۲۶، اختلافات سرمایه‌گذاری بایستی، در صورت امکان، به صورت مسالمت‌آمیز و دوستانه حل^۳ شوند. سرمایه‌گذاران نمی‌توانند یک اختلاف را برای حل و فصل بر اساس ماده ۲۶ ارجاع نمایند، تا مگر این که سه ماه از

^۱. منیرالزمان، ا.ف.م، «قراردادهای دولت با بیگانگان مسأله یکجانبه قرارداد توسط دولت در حقوق بین‌الملل معاصر»، ترجمه محمدجواد میرفخرایی، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۴، سال ۱۳۷۸، صص ۲۴۰-۱۹۳.

^۲. کونگ یان، کای، «اثر معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی»، ترجمه حجت سلیمی ترکمانی، مجله‌ی حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست و ششم، شماره ۴۱، ۱۳۸۸، صص ۲۹۱-۲۶۳.

^۳. Amicable Settlement

تاریخی که هر یک از طرفین اختلاف درخواست حل و فصل از طریق دوستانه نموده است، گذشته باشد. لازم به ذکر است این روش‌ها بایستی به ترتیب به کار گرفته شوند؛ یعنی سرمایه‌گذار بدون طی مرحله‌ی مذاکرات و مشاورات دوستانه نمی‌تواند به دیگر روش‌ها مراجعه کند. اما پس از سپری شدن سه ماه و نتیجه‌بخش نبودن راه‌حل دوستانه، سرمایه‌گذار در انتخاب هر یک از روش‌های ذیل آزاد خواهد بود و دولت طرف اختلاف نمی‌تواند مانع انتخاب او گردد.^۱

این امکان برای سرمایه‌گذار وجود دارد که در هر زمان به مراجع قضایی یا اداری دولت عضو مراجعه کند (جزء الف بند ۲ ماده ۲۶). البته این امر مستلزم وجود اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به بی‌طرفی، استقلال، امکان دسترسی و همچنین صلاحیت حرفه‌ای مراجع مزبور می‌باشد. در بند اخیر اصل چهارم قطع‌نامه‌ی ۱۹۶۲ سازمان ملل متحد، که حق دولت‌ها برای اعمال مصادره‌ی قانونی را پیش‌بینی کرده است، آخرین مرجع برای حل اختلاف مربوط به خسارات ناشی از ملی کردن یا مصادره‌ی اموال، «مراجع قانونی دولت مصادره‌کننده» معرفی شده است. بند دوم منشور حقوق و تکالیف اقتصادی کشورها مصوب ۱۲ دسامبر ۱۹۷۴ مقرر می‌دارد: «در صورت بروز اختلاف، مسأله با مداخله دادگاه‌های محلی و با استناد به قوانین داخلی آن کشور حل و فصل خواهد شد»؛ تا جایی که به نظر برخی از محققان رجوع به قواعد حقوق بین‌الملل آن‌گونه که در اعلامیه‌ی ۱۹۶۲ منعکس شده دیگر منتفی است و حل اختلاف تنها با مراجع قضایی داخلی است و توسل به دیگر طرق، جنبه‌ی استثنایی دارد.^۲ اما مطابق مقررات این ماده، مراجع داخلی آخرین مرجع حل اختلاف نمی‌باشند بلکه تنها یکی از مراجع حل و فصل اختلاف می‌باشد. بایستی ذکر شود مطابق قسمت الف جزء ب بند ۳ ماده ۲۶، دولت‌های مذکور در ضمیمه ID^۳ به هنگام الحاق می‌توانند چنانچه سرمایه‌گذار پیش‌تر به دادگاه‌های داخلی کشور میزبان مراجعه کرده باشد مراجعه‌ی بعدی سرمایه‌گذار را به مرجع داوری ممنوع سازند و بر این اساس احکام مراجع

^۱. Hobér, Kaj, "Investment Arbitration and the Energy Charter Treaty", Oxford Journals, Journal of International Dispute Settlement, Volume 1, Issue 1, pp. 153-190.

^۲. مدنی، سیدجلال‌الدین، حقوق بین‌الملل عمومی، اصول و روابط دولت‌ها، جلد دوم، انتشارات پایدار، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۴۳.

^۳. هاشمیان، و طارم‌سری، پیشین، ص ۷۲.

داخلی برای مرجع داوری اعتبار امر مختومه خواهد داشت. حال اگر کشوری در این فهرست نبود، بدیهی است نمی‌تواند مانع مراجعه سرمایه‌گذار به داوری بین‌المللی مطابق معاهده گردد.

۱-۲- مراجعه به داوری بین‌المللی یا سازش

مطابق ماده ۲۶ مکانیزم حل اختلاف بین سرمایه‌گذار و دولت میزبان، بر مبنای مفهوم داوری مستقیم شکل گرفته است. به موجب این ماده سرمایه‌گذار بدون نیاز به حمایت دیپلماتیک و دخالت دولت متبوع خود و یا رجوع به مراجع قضایی دولت سرمایه‌پذیر، قادر است مستقیماً دولت میزبان را در محاکم داوری طرف دعوا قرار دهد. مطابق جزء الف از بند ۳ ماده ۲۶ معاهده: «هر دولت عضو موافقت بدون قید و شرط خود را جهت ارجاع اختلافات به داوری بین‌المللی اعلام می‌کند». علت لزوم رضایت بی‌قیدوشرط اعضای معاهده به موجب این بند، از یک سو رعایت الزامات اکسید و قواعد آنسیترال به علاوه شرط توافق کتبی مطابق کنوانسیون نیویورک است. از سوی دیگر منظور از این قید آن است که یک موافقت‌نامه از قبل میان دولت متعاقد و سرمایه‌گذار موجود باشد و اجازه‌ی مجدد سرمایه‌گذار از دولت برای ارجاع دعوا به داوری یا سازش لازم نباشد.

چنانچه دولتی به هنگام الحاق به معاهده موافقت بدون قیدوشرط خود را با مقررات معاهده (جهت حل اختلافات) اعلام کرده باشد یا این که ظرف مهلت متعارف عدم قبول خود را اعلام نکند به معنای پذیرش تمام مقررات داوری می‌باشد. امروزه با توجه به عرف بین‌المللی، اعلام رضایت به داوری الزاماً نیاز به درج شرط داوری در قرارداد سرمایه‌گذاری ندارد^۱. همین که دولتی بدون قیدوشرط به یک معاهده‌ی بین‌المللی می‌پیوندد، به معنی اعلام رضایت به داوری اجباری مندرج در آن نیز می‌باشد و بر مبنای نظریه‌ی اعتماد زیان‌آور این اعلام رضایت (ایجاب) غیرقابل برگشت خواهد بود، زیرا سرمایه‌گذار خارجی بر اساس این اعتماد به ظاهر و پذیرش قواعد معاهده توسط دولت میزبان، اقدام به سرمایه‌گذاری در آن کشور نموده است. لذا همین که با بروز اختلاف درخواست کتبی خود را با رعایت تشریفات لازم به هر یک از مرجع داوری موصوف تسلیم

^۱ Bernardo, M. Cremades, Parallel Arbitration Tribunals and Awards, Oil, Gas & Energy Law Intelligence (OGEL), 2005, p. 4.

کند، کافی است و نیاز به اعلام رضایت مجدد دولت نیست. در واقع این نوع موافقت بدون قیدوشرط دولت، به معنی یک «ایجاب» است که از جانب سرمایه‌گذار مورد «قبول» قرار می‌گیرد.^۱

سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند در هر صورت حتی اگر قبلاً از هر نوع سازوکاری، از جمله دادرسی قضایی کشور میزبان و نظیر آن استفاده کرده باشد، مجدداً دعوای خود را به مراجع داوری بین‌المللی پیش‌بینی شده در منشور ارجاع نماید. برابر جزء الف بند ۳ ماده ۲۶ چنان‌چه طرفین موافقت بدون قیدوشرط خود را به ارجاع اختلاف به داوری در قرارداد یا در هنگام امضای معاهده اعلام کرده باشند، سرمایه‌گذار می‌تواند به داوری بین‌المللی و یا سازش مطابق مقررات معاهده مراجعه کند. مطابق با جزء الف بند ۳ ماده ۲۶ دولت‌های متعاقد «موافقت بی قیدوشرط خود را به ارجاع اختلاف به سازش یا داوری بین‌المللی بر طبق مقررات این ماده» اعلام می‌دارند. این موافقت بی قیدوشرط اشاره دارد که یک دولت نمی‌تواند از رضایت و موافقت خود و یا از منشور، به محض درخواست سرمایه‌گذار برای آغاز جریان داوری عدول نماید. رضایت دولت‌ها لازم و قطعی است و عدول از آن اثر حقوقی ندارد. در حالت عدول از مقررات منشور، دولت متعاقد، برای مدت ۲۰ سال از تاریخ عدول، متعهد باقی می‌ماند تا تعهدات حمایت از سرمایه‌گذاری را ایفا نماید.^۲ حال چنان‌چه سرمایه‌گذار خارجی بخواهد به داوری مراجعه کند، حق انتخاب بین سه مرجع مختلف داوری بین‌المللی طبق بند ۴ از ماده ۲۶ به شرح زیر را دارد:

- ۱- مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری واشنگتن مصوب ۱۹۶۲ (کنوانسیون اکسید). این در صورتی است که هم دولت میزبان و هم دولت متبوع سرمایه‌گذار هر دو عضو اکسید باشند. چنان‌چه یکی از آن‌ها عضو اکسید نباشند سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند به قواعد تسهیلی اضافی رسیدگی اداری که توسط دبیرخانه‌ی اکسید اعمال می‌شود، مراجعه کنند (بخش ۱ و ۲ جزء الف بند ۴ ماده ۲۶).
- ۲- مراجعه به یک داور یا یک نهاد داوری توافقی بر اساس قواعد داوری آنسیترال (جزء ب از بند ۴).
- ۳- مراجعه به مؤسسه داوری اتاق تجارت استکهلم (جزء ج بند ۴).

^۱. Sussman, Enda, Hoguet Newman & Regal LLP, The Energy Charter Treaty Affords Investment Protections and Right to Arbitration, Oil, Gas & Energy Law Intelligence, November 2006, p. 3.

^۲- Hober, op.cit., pp. 153-190.

یکی دیگر از بهترین دستاوردهای معاهده برای سرمایه‌گذاران خارجی، رسیدگی داوران بر اساس قواعد معاهده و قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشد. برابر بند ۶ ماده ۲۶ منشور: «دیوان داوری که بر اساس بند ۴ تشکیل می‌شود در مورد موضوعات متنازع‌فیه بر طبق این معاهده و اصول و قواعد قابل اعمال حقوق بین‌الملل تصمیم‌گیری خواهد کرد». این امر در صورتی است که سرمایه‌گذار خارجی به یکی از مراجع داوری مزبور مراجعه کند. بدیهی است در صورت مراجعه‌ی وی به دادگاه‌های داخلی یا سایر روش‌های مورد توافق، مراجع مزبور بر اساس قوانین ملی و قواعد حل تعارض حاکم، قانون حاکم بر ماهیت دعوا را تشخیص داده و اعمال خواهند کرد. همچنین به موجب بند ۱ ماده ۴۲ کنوانسیون واشنگتن: «در صورت عدم تصریح طرفین، قانون حاکم بر ماهیت دعوا عبارت خواهد بود از قانون ملی دولت میزبان سرمایه و قواعد قابل اعمال حقوق بین‌الملل»، که شبیه بند ۶ ماده ۲۶ معاهده است.

برابر جزء ب از بند ۵ ماده ۲۶ معاهده: «هرگونه داوری بر اساس این ماده بنا به درخواست هر طرف اختلاف در کشوری برگزار می‌شود که یکی از اعضای کنوانسیون نیویورک است. دعاوی ارجاعی به داوری تحت شرایط مذکور به عنوان دعاوی ناشی از یک رابطه‌ی بازرگانی یا مبادله از لحاظ ماده ۱ این کنوانسیون شناخته خواهند شد». بدین طریق معاهده با ارجاع نحوه‌ی اجرا به کنوانسیون مزبور، از وقوع بسیاری از اختلافات احتمالی در خصوص اجرای آرای داوری پیشگیری کرده است. بر اساس بند ۳ ماده ۱ این کنوانسیون: «اعضا در هنگام امضا، تصویب یا الحاق به کنوانسیون می‌توانند شرط کنند تنها آن دسته از آرای داوری را به رسمیت شناخته و اجرا خواهند کرد که در یک کشور عضو کنوانسیون نیویورک صادر شده باشد». این امر نیز تضمین دیگری برای سرمایه‌گذار جهت اجرای رأی داوری می‌باشد. به علاوه اشاره به دعاوی ناشی از یک رابطه‌ی بازرگانی به این علت است که این کنوانسیون فقط در مورد اختلافات تجاری قابلیت اعمال دارد.^۱ در مرحله‌ی نهایی اگر کشور متخلف رأی محکومیت صادره را اجرا

¹ Energy Charter Treaty Secretariat, The Energy Charter Treaty, A Readers Guide, First edition, Brussels, 2003 & 2006, p. 55.

نکند، این امتناع نیز به معنی نقض معاهده محسوب شده و ممکن است تصمیم‌گیری کنفرانس منشور را طبق بند ۳ ماده‌ی ۳۴ در پی داشته باشد.^۱

۲- حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری میان دولت‌ها (ماده ۲۷)

اگر چه هدف منشور از پیش‌بینی سازوکار حل و فصل اختلافات، حمایت و تضمین سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران می‌باشد، که به نظر با تنظیم مقررات حل و فصل اختلافات در ماده ۲۶ (حل و فصل اختلافات میان سرمایه‌گذار و دولت سرمایه‌پذیر) این حمایت تأمین شده است، اما امضاکنندگان منشور، دولت‌ها می‌باشند، بنابر این ممکن است در اجرای معاهده همانند دیگر معاهدات بین‌المللی اختلاف ایجاد شود؛ از این رو نیاز به تدوین مقرراتی برای حل این قبیل اختلافات ضروری به نظر می‌رسد.

بر خلاف اختلافات سرمایه‌گذار و دولت میزبان مذکور در ماده ۲۶، اختلافات میان دولت‌ها بسیار گسترده است و نه فقط سرمایه‌گذاری بلکه دیگر موضوعات معاهده را نیز دربر می‌گیرد. ماده ۲۷ معاهده که راجع به اختلافات میان دولت‌هاست، عام بوده و علاوه بر اختلافات سرمایه‌گذاری، اختلافات دولت‌ها در خصوص تفسیر و اجرای معاهده، در دیگر بخش‌ها را نیز شامل می‌شود. با وجود این اطلاق، در خود ماده استثنائاتی ذکر گردیده است. به همین دلیل ابتدا قلمرو این ماده را مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس به روند سازوکار حل اختلاف در آن می‌پردازیم.

بند ۱ ماده ۲۷ مقرر می‌دارد: «طرف‌های متعاقد برای حل و فصل اختلافات مربوط به اجرا یا تفسیر این معاهده از طریق مجاری دیپلماتیک تلاش خواهند کرد». ظاهر این مقررره اطلاق در تمام اختلافات دارد؛ اما در بند ۲ همین ماده و همچنین ماده‌ی ۲۸ معاهده این اطلاق تخصیص خورده است:

اولاً این ماده بر اختلافات ناشی از اعمال و تفسیر مواد ۶ و ۱۹ که به ترتیب راجع به رقابت و مسائل زیست‌محیطی است اعمال نمی‌شود (بند ۲)؛ ثانیاً در مورد کشورهای مذکور در ضمیمه‌ی

¹. Walde, W. Thomas, The Energy Charter Treaty: An East-West Gateway for Investment and Trade (International Energy & Resources Law and Policy Series Set), Kluwer Law International; First edition, 1996, p. 459.

IA^۱ که در مورد تعهدات مربوط به رعایت و نظارت دولت بر تعهدات قراردادی با سرمایه‌گذار خارجی (موضوع آخرین بند ۱ ماده ۱۰ معاهده)، از اعلام موافقت بدون قید و شرط به داوری اجباری خودداری نموده‌اند، نیز اعمال نخواهد شد؛ ثالثاً همچنین ماده مزبور در مورد اختلاف ایجاد شده بین طرف‌های متعاقد در خصوص اجرا یا تفسیر ماده ۵ یا ۲۹ معاهده نیز اعمال نمی‌شود مگر این که طرفین اختلاف صراحتاً بر اعمال آن توافق نمایند. ماده ۵ در مورد تدابیر سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت است و ماده ۲۹ راجع به قواعد موقت ناظر بر تجارت انرژی می‌باشد.^۲

۳- قواعد شکلی و ماهوی حاکم بر حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری میان دولت‌ها

چنان که گفته شد به موجب بند ۱۰ از ماده ۲۷ منشور، اختلافات میان دو دولت که هر دوی آن‌ها عضو معاهده هستند، چنانچه راجع به تفسیر یا اجرای مواد معاهده باشد، ابتدا بایستی از طریق کانال‌های دیپلماتیک و مجاری سیاسی حل و فصل گردد؛ حال اگر این اختلافات حل نشد، در این مرحله برعکس اختلافات دولت با سرمایه‌گذار (که در صورت نتیجه ندادن تلاش‌های دوستانه ظرف سه ماه، انواع مختلف روش‌ها در اختیار او بود)، در این‌جا چنانچه ظرف مدت معقول و متعارف (نه سه ماه) راه‌حل مذاکرات دیپلماتیک به نتیجه نرسید، حال به هر دلیل اختلاف باقی باشد، موضوع اختلاف چون میان دولت‌ها بوده و مهم تلقی می‌شود، بلافاصله به داوری بین‌المللی ارجاع می‌شود. به این صورت که هر یک از طرفین اختلاف داور مورد نظر خود را تعیین می‌کند و داوران انتخاب شده داور ثالث را از یک کشور بی‌طرف انتخاب می‌کنند و ریاست هیأت داوری نیز با داور ثالث خواهد بود (بند ۳ ماده ۲۷).

چنانچه طرف دیگر از تعیین داور امتناع ورزد یا این که داوران انتخابی آن‌ها در تعیین داور ثالث به توافق نرسند، طرف ارجاع‌کننده (درخواست‌کننده‌ی داوری) می‌تواند از دبیرکل دیوان دایمی داوری بین‌المللی تقاضای نصب داور کند. دبیرکل دیوان باید ظرف ۳۰ روز از تاریخ تقاضا، داور ثالث را تعیین نماید. در صورت امتناع او، دبیر اول (معاون) دیوان دایمی داوری این کار را انجام

^۱. به ضمایم معاهده مراجعه شود.

^۲. هاشمیان، و طارم‌سری، پیشین، صص ۱۳ و ۴۸.

می‌دهد و در صورت امتناع او نیز، این کار توسط مسن‌ترین فرد (قاضی دیوان) انجام خواهد شد. داور ثالث از هر کشوری که انتخاب شود رئیس محکمه‌ی داوری خواهد بود. به علاوه این فرد بایستی در مورد موضوعات مورد اختلاف مقرر در این معاهده تجربه، تخصص و آگاهی کافی داشته باشد (جزء ج از بند ۳ ماده ۲۷).^۱

قواعد شکلی حاکم بر داوری، چنان‌چه طرفین به نحو دیگری توافق نکرده باشند قواعد داوری آنسیترال است. آرای داوری نیز با اکثریت آرا اتخاذ می‌شود. قواعد ماهوی حاکم همانند اختلافات دولت با سرمایه‌گذار است؛ یعنی اتخاذ تصمیم توسط هیأت داوری یا دیوان داوری الزاماً بر اساس مقررات این معاهده و اصول و قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشد. آرای صادره قطعی و غیرقابل اعتراض بوده و برای طرفین الزام‌آور است (جزء ز و ح از بند ۳). ملاحظه می‌شود که معاهده در این بخش نیز امکان توافق طرفین بر انتخاب قانون حاکم بر ماهیت دعوا و یا اعمال قواعد تعارض قوانین برای تعیین قانون حاکم بر ماهیت دعوا را اجازه نمی‌دهد. از جمله ایراداتی که بر ماده ۲۷ گرفته شده این است که در مورد اختلاف میان دو دولت، امکان ورود کشور ثالث متضرر پیش‌بینی نشده است. این امر نه تنها موجب خسارت جبران‌ناپذیری برای دولت‌های ثالث می‌باشد بلکه در صورت طرح دعوای جداگانه توسط این دولت‌ها، باعث ایجاد مشکلات و معضلات فراوانی در زمینه‌ی تعارض آرای صادره‌ی متعدد در موضوع واحد خواهد گردید. عدم پیش‌بینی این حق به منزله‌ی عدم وجود آن نیست، چرا که منشور در مقام بیان تمام قواعد حل و فصل اختلاف برنیامده که ذکر یکی از این قواعد به منزله‌ی عدم امکان آن باشد بلکه با ارجاع قواعد حل و فصل به دیوان داوری بین‌المللی باید توجه کرد که این محاکم چه قواعدی در این خصوص پیش‌بینی کرده‌اند؛ از سوی دیگر این که منشور اصولاً در پی ایجاد شرایط مناسب و تسهیل روند فعالیت می‌باشد، و در پی ایجاد مشکل برای دولت‌ها نیست.

نتیجه‌گیری

حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاران خارجی با کشور میزبان یکی از موضوعات اساسی مورد توجه در امر سرمایه‌گذاری است. قواعد حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری می‌تواند تأثیر

^۱. همان، ص ۴۶.

به‌سزایی در تضمین اموال و دارایی‌ها و به‌طور کلی سرمایه‌گذاران و در نتیجه رشد و توسعه‌ی سرمایه‌گذاری داشته باشد. از یک سو دولت میزبان به دلیل اصل حاکمیت کشورها و سرمایه‌گذار خارجی به علت بیگانگی و عدم شناخت نظام حقوقی و قضایی کشور میزبان، و هزینه‌های هنگفت ناشی از اختلافات از سوی دیگر، و نیاز روزافزون کشورها به داشتن روابط تجاری - اقتصادی با یکدیگر و نقش سرمایه‌گذاری خارجی در رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشورها، و نگرانی آن‌ها از اختلافات احتمالی و تأثیر آن بر روابط تجاری، تابعان حقوق بین‌الملل را برآن داشت تا راه‌کارهای تضمین‌کننده و اطمینان‌بخشی در این خصوص پیش‌بینی نمایند. بر این اساس کشورها در کنار تغییر و تحول در نظام حقوقی و دادرسی خود، اقدامات بین‌المللی‌ای نیز در این راستا انجام دادند. از میان این تحولات می‌توان به پیدایش قواعد و نهادهای جدید داوری برای حل و فصل اختلافات به‌عنوان پاسخ‌گویی نسبی به نیاز روابط مطمئن تجاری - اقتصادی اشاره کرد. داوری بین‌المللی که به‌عنوان یک شیوه‌ی مناسب و مورد قبول کشور میزبان و سرمایه‌گذاران خارجی، در اکثر اسناد بین‌المللی از جمله معاهدات دوجانبه یا چندجانبه‌ی سرمایه‌گذاری و قوانین سرمایه‌گذاری خارجی کشورها، نقطه‌ی اتکا و مشترک میان کشورها برای حل اختلافات تجاری شده است با اشکال عمده‌ی الزام سرمایه‌گذار خارجی در توسل به حمایت دیپلماتیک کشور متبوع خود برای اقامه‌ی دعوا علیه دولت میزبان مواجه است. معاهده‌ی منشور انرژی، که با هدف ایجاد تسهیلات در کشورهای تولیدکننده‌ی انرژی برای سرمایه‌گذاری بر اساس اقتصاد آزاد و حفظ منافع متقابل شکل گرفته است، یک ابزار حقوقی بسیار کارآمد در عرصه‌ی بین‌المللی است چرا که با تدوین مقررات دقیق و منسجمی در زمینه‌ی حل و فصل اختلافات، سعی در به‌حداقل رساندن ریسک‌های تجاری دارد که در راستای جلب اطمینان طرف‌های قرارداد در رعایت حقوق آن‌ها و تضمین قانونی برای سرمایه‌گذاری مطمئن می‌باشد. تقسیم اختلافات سرمایه‌گذاری به دو دسته‌ی اختلاف میان سرمایه‌گذار و دولت میزبان و اختلاف میان دولت‌های متعاقد، و تدوین مقررات جداگانه‌ای برای هر یک از اختلافات با توجه به ماهیت اختلاف، هدف منشور مبنی بر استقلال‌بخشیدن به اختلاف میان سرمایه‌گذار و دولت میزبان را محقق نموده است. ارائه‌ی روش‌های متفاوت از قبیل مذاکره و سازش قبل از مراجعه به مراجع داوری بین‌المللی، ارجاع اختلاف به مراجع داخلی کشور میزبان توسط سرمایه‌گذار به

صورت اختیاری، تضمین رفتار غیرتبعیض‌آمیز، که موجب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری و جریان تجارت بین اعضا می‌گردد را فراهم ساخته است. ابتکار منشور در اعطای حق اقامه‌ی مستقیم دعوا بدون نیاز به حمایت دیپلماتیک به سرمایه‌گذار خارجی، از یک سو به‌کارگیری داوری را تسهیل نموده و از سوی دیگر از تبدیل اختلاف میان یک سرمایه‌گذار با دولت میزبان، به اختلافی میان دولت‌ها که می‌تواند تبعات سیاسی فراوانی داشته باشد، جلوگیری نموده است. شیوه‌ی حمایت دیپلماتیک از دیدگاه سرمایه‌گذار، روش ضعیف و غیرقابل اتکایی برای جبران خسارت است، زیرا در کنار ضرورت تابعیت سرمایه‌گذار، عدم نتیجه‌گیری در دادگاه‌های دولت میزبان نیز شرط حمایت دیپلماتیک محسوب می‌شود؛ از سوی دیگر به دلیل مناسبات میان دولت‌ها، به ندرت دولتی اقدام به پیگیری حقوق اتباع خود و اقامه‌ی دعوا علیه دولت دیگر می‌نماید و مناسبات سیاسی را بر روابط سرمایه‌گذار خود و دولت میزبان ترجیح می‌دهد. از آنجایی که منشور در پی ایجاد زمینه‌ای مطمئن برای سرمایه‌گذاری می‌باشد، با ابتکار خود در پذیرش حق سرمایه‌گذار مبنی بر اقامه‌ی مستقیم دعوا، زمینه‌ی حمایت و تضمین حقوقی از اموال و دارایی‌های سرمایه‌گذار را فراهم می‌نماید.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. انصاری، باقر، «درآمدی بر مکانیزم‌های حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی»، مجله حوزه و دانشگاه، سال یازدهم، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۸۴.
۲. بهمنی بهلولی، حمیده، قواعد حاکم بر سرمایه‌گذاری از منظر معاهده منشور انرژی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر نادر مردانی، دانشگاه شیراز، خرداد ۱۳۹۲.
۳. سورناراجا، ام، حبیب زاده، توکل، «معاهدات دوجانبه‌ی سرمایه‌گذاری»، مجله‌ی حقوقی، بهار ۱۳۸۳، شماره ۳۰.
۴. شیروی، عبدالحسین، حقوق تجارت بین‌الملل، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ویراست دوم، ۱۳۹۱.
۵. صادقی، محسن؛ غفاری فارسانی، بهنام، «حل اختلافات سرمایه‌گذاری در معاهده‌ی منشور انرژی و آثار حقوقی الحاق ایران به آن، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی حقوق انرژی، مؤسسه انتشارات دادگستر، چاپ اول، بهار، ۱۳۹۰.
۶. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ ۲۶، ۱۳۸۵.
۷. کاشار، اولیویه، حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه رسول رضایی، انتشارات مهرماه نو، چاپ اول، بهار ۱۳۹۰.
۸. کونگ یان، کای، «اثر معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی»، ترجمه حجت سلیمی ترکمانی، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست و ششم، شماره ۴۱، ۱۳۸۸.
۹. منیرالزمان، ا.ف.م، «قراردادهای دولت با بیگانگان مسأله یکجانبه قرارداد توسط دولت در حقوق بین‌الملل معاصر»، ترجمه‌ی محمدجواد میرفخرایی، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۴، ۱۳۷۸.
۱۰. نیکبخت، حمیدرضا، داوری تجاری بین‌المللی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

۱۱. هاشمیان، مسعود؛ طارم‌سری، مسعود، متن معاهده منشور انرژی و ضمائ آن، مؤسسه‌ی مطالعات بین‌المللی انرژی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۲. هومن فلدرن، آیگناس زایدل، حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه قاسم زمانی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات حقوقی شهر دانش، ۱۳۷۹.
۱۳. مدنی، سیدجلال‌الدین، حقوق بین‌الملل عمومی، اصول و روابط دولت‌ها، جلد دوم، انتشارات پایدار، چاپ اول، ۱۳۷۷.

ب) منابع انگلیسی

14. Bernardo, M., Cremades, Parallel Arbitration Tribunals and Awards, Oil, Gas & Energy Law Intelligence (OGEL), 2005.
15. Energy Charter Treaty Secretariat, The Energy Charter Treaty, A Readers Guide, First edition, Brussels, 2003 & 2006.
16. Haghghi S. Sanam, Energy Security, The External Legal Relations of the European Union with Major Oil-and Gas-Supplying Countries, Hart Publishing, Oxford Portland, Oregon, First edition, 2007.
17. Hobér, Kaj, "Investment Arbitration and the Energy Charter Treaty", Oxford Journals, Journal of International Dispute Settlement, Volume 1, Issue 1.
18. Ribeiro, Clarisse, The Distinction between Lawful and Unlawful Expropriation, in *Investment Arbitration and the Energy Charter Treaty*, Juris Net, Huntington, June, 2006.
19. Richard, Happ, Dispute Settlement under The Energy Charter, Oil, Gas & Energy Law Intelligence, December 2004.
20. Sussman, Enda, Hoguet Newman & Regal LLP, The Energy Charter Treaty Affords Investment Protections and Right to Arbitration, Oil, Gas & Energy Law Intelligence, November 2006.
21. Walde, W.Thomas, The Energy Charter Treaty: An East-West Gateway for Investment and Trade (International Energy & Resources Law and Policy Series Set), Kluwer Law International; First edition, 1996.

Websites:

1. <http://www.encharter.org>
2. <http://www.encharter.org/index.php?id=7>

3. <http://www.encharter.org/index.php?id=61>
4. <http://www.encharter.org/index.php?id=4>
5. <http://www.encharter.org/index.php?id=5>
6. <http://www.encharter.org/index.php?id=329&L=1%2f%2f%2f%>
7. <http://www.encharter.org/index.php?id=37>
8. <http://www.encharter.org/index.php?id=213>
9. <http://www.encharter.org/index.php?id=213&1=j>
10. <http://www.encharter.org/index.php?id=480&L=0>
11. <http://www.encharter.org/index.php?id=40&L=1%2F%2F%>
12. <http://www.encharter.org/index.php?id=6>
13. <http://www.amazon.com/Investment-under-Energy-Charter-Treaty/dp/363930201X>
14. <http://www.amazon.com/The-Energy-Charter-Treaty-International/dp/9041109137>